

شرح رساله حقوق

سخن ما درباره این کلام نورانی امام سجاده (ع) بود که چگونه می‌توان به حفظ حق این عضو خاص از بدن کمک کرد «حق العوره یا حق الفرج». بعد از اینکه ما حقوق آن را بیان کردیم، گفتیم امام سجاده (ع) چهار راه برای رعایت حق این عضو بیان کردند، دو راه را بیان کردیم: یکی غض البصر و دیگری کثرت یاد مرگ.

۳. تهدید نفس به عذاب الهی

برخی گمان کردند این راه با ادامه‌اش که فرموده «والتخویف لها به» یک راه است و بعضی اساسا «والتهدد لنفسک بالله و التخویف لها به» را در ادامه «کثرة ذکر الموت» فرض کردند. یعنی کأنه اینجا دو راه برای تقویت حق عورت وجود دارد: یکی غض البصر و دیگری کثرت یاد مرگ و تهدید نفس نسبت به عذاب الهی و بر حذر داشتن نفس از عذاب الهی؛ در حالی که به گمان ما «والتهدد لنفسک بالله» این خودش مستقلا یک طریق و راه است و هم‌چنین در ادامه که فرمود «والتخویف لها به» آن هم یک راه دیگری است. یعنی به غیر از غض بصر و کثرة ذکر الموت، ما دو راه دیگر داریم، دو طریق دیگر هم داریم که به فرموده حضرت می‌تواند به رعایت حق این عضو کمک کند.

«والتهدد لنفسک بالله» تهدید به معنای ترساندن، بیم دادن، خوفناک کردن خویشتن. بالله، یعنی خودت را، نفست را تهدید کن، بترسان، تهدید، ارباب و ترساندن، ترساندن به یک نتیجه سوء و خطرناک، کیفر، عذاب و عقاب. ترساندن نفس و خویشتن از عقاب و عذاب الهی، از عقاب خداوند؛ این غیر از کثرت یاد مرگ است.

یکی از چیزهایی که می‌تواند به کنترل شهوت کمک کند، ترساندن از عذاب و عقاب الهی است. شهوت اگر از جاده اعتدال خارج شود، یعنی اگر از راه مشروع یا فراتر بگذارد، به عنوان یک معصیت بزرگ عقاب‌های سختی دارد. اساسا اینکه انسان خودش را نسبت به نتایج سوء یک کار تهدید کند، باعث کنترل می‌شود، این باز دارنده است. همین الان اگر فرض کنید اگر در جامعه یک جرمه ای در نظر بگیرند برای یک کاری، یکی از عوامل مهم بازدارنده از ارتکاب آن جرم و جنایت و تخلف، یادآوری مجازات و عقوبت است. می‌گوید اگر این کار را بکنم باید زندان بروم، اگر این کار را بکنم باید جرمه بدهم، اگر تخلف کنم آن محرومیت‌ها برای من پیش می‌آید. انسان نسبت به امور زندگی در این دنیا خود را ملزم به رعایت قوانین می‌داند و تا جایی که می‌تواند از مقررات سرپیچی نمی‌کند، این به خاطر این است که از مجازات و عقوبت و زندان می‌ترسد. خیلی وقت‌ها خود انسان تا می‌خواهد کار خلافی کند، یادش می‌افتد آن کیفر و مجازات و عقاب را و این بازدارنده است.

حال اگر می‌خواهیم یک تخلف و نافرمانی کنیم، مخصوصا در مورد قوه شهوت و استفاده از این عضو (که حدود مجاز و مشروع آن را خداوند تبارک و تعالی بیان کرده است) و یا فراتر می‌خواهیم بگذاریم، مخصوصا جایی که وسوسه‌های شیطانی گریبان انسان را می‌گیرد، یکی از اموری که بازدارنده است یادآوری عقاب و کیفر و مجازات خداوند است، «والتهدد لنفسک بالله»، شما ببینید ما نسبت به عقاب و کیفر مخالفت با اوامر و نواهی الهی به نحو عام و نیز مخالفت با نهی الهی از این اعمال چقدر آیه و روایت داریم. اگر بخواهیم همه آیات و روایات که به طور عام و خاص در این مورد بیان شده را بگویم خیلی زیاد است؛ اگر انسان این را همیشه به خودش یادآوری کند، باورش باشد عقوبت و کیفر دارد، تا می‌خواهد خدای نکرده خلاف شرع انجام دهد تهدید کند خودش را که چنین عقوبت و کیفر و مجازاتی در انتظار توست قطعاً بازدارنده است.

۱. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»^۱؛ آن کسی که نافرمانی خدا و رسولش را می‌کند و از حدود الهی تجاوز می‌کند او را در آتشی وارد می‌کند که در آن جاودانه خواهد ماند. این جاودانه بودن در آتش مربوط به بعضی از گناهان است، ولی اصل تعدی مثل کفر، ولی اصل تعدی از دستور خدا و مرزهای الهی و حدود الهی بدون تردید عذاب به دنبال خواهد داشت.

۲. بعضی از اینها در موارد خاص است مثلاً در مورد گناهان خاصی که در قرآن آمده است، کسی که مثلاً جنگ و تفرقه ایجاد کند، کسی که شکار کند در حرم، کسی که صید کند در حرم، یا مثلاً کفر، شرک، قتل و یا سرقت، اینها همه به طور خاص گناهان برایش عقوبت‌هایی بیان شده است؛ اینکه انسان نهی شود مثل آیه «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»^۲.

۳. «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلَمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۳؛ کسانی که مرتکب گناه شدند، اینها جزای بدی به مقدار همان بدی دارند، هر بدی و نافرمانی که باشد به همان اندازه خداوند آنها را عقوبت می‌کند و ذلت و خواری چهره آنها را می‌پوشاند و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از مجازات خدا دور نگه دارد و چهره‌هاشان آنقدر تاریک است که گویا شب تاریک صورت آنها را پوشانده. اگر انسان یادآوری این وضعیت را بکند هیچ وقت پا از حدود الهی فراتر نمی‌گذارد.

۴. «وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهُهُمُ النَّارُ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»^۴؛ آن روز شما مجرمان را با هم در غل و زنجیر می‌بینید، غل و زنجیر گردن‌ها و دست‌هایشان را به هم بسته، لباسشان از ماده چسبنده بد بوی قابل اشتعال هست، صورتشان را از آتش می‌پوشاند تا خداوند هر کسی را بر هر چه که انجام داده جزا دهد و خدا سریع الحساب است.

وقتی این آیات را انسان می‌شنود مو بر تن انسان راست می‌شود، اگر انسان اینها را به خود یاد آوری کند، تهدید نفس نسبت به عذاب الهی بر پیروی از شیطان، بر اینکه خدای نکرده اگر حق این عضو را نادیده بگیرد و آن را از حرام باز ندارد چه عواقبی در انتظار اوست. انسان با یاد آوری اینها خودش را کنترل می‌کند. یکی از راه‌های کنترل همین راه است «والتهدد لنفسك بالله»؛ تهدید نفس، ترساندن نفس و خویشتن، نسبت به عذاب‌ها و عقوبت‌ها و کیفرهای الهی.

حال این آیات به طور عام در مورد مخالفت با اوامر و نواهی الهی است، اما به طور خاص نیز ما نسبت به اعمال و کارهایی که به نوعی با این عضو در ارتباط است، به خصوص در مورد بعضی از گناهان مرتبط با این عضو، عقوبت‌ها و کیفرهایی بیان شده است که یادآوری آنها به شدت بازدارنده است. بعضی از این روایات را در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»

^۱ سوره نساء، آیه ۱۴.

^۲ سوره بقره، آیه ۱۶۸.

^۳ سوره یونس، آیه ۲۷.

^۴ سوره ابراهیم، آیه ۴۹ الی ۵۱.